

مغالطه‌های شایع در گفت‌وگو

در مورد مغالطات و انواع آنها، بحث‌های فراوانی شده است و قدمت دیرینه‌ای دارد و شاید بتوان گفت از آنجا که یکی از فصول اولین کتاب مدون



در مورد مغالطات و انواع آنها، بحث‌های فراوانی شده است و قدمت دیرینه‌ای دارد و شاید بتوان گفت از آنجا که یکی از فصول اولین کتاب مدون در منطق یعنی «ارغنون» ارسطو در باب سفسطه و مغالطه است، بحث از مغالطات لااقل از سه قرن قبل از میلاد مسیح تاکنون سابقه داشته است.

اما در اینجا به بعضی از شایع‌ترین مغالطاتی که در گفت‌وگوی بین افراد ممکن است رخ دهد اشاره می‌شود. نکته مهم در این بحث، شیوع این مغالطات در گفت‌وگوها و سخنان روزمره افراد، اعم از مردم معمولی و برخی مسئولان است. توجه به این مغالطات و این که چرا این موارد مغالطه محسوب می‌شوند، فرد را قادر می‌کند استدلال‌های نادرست و مغالطه آمیز را با دلیل صحیح رد کند و آنها را نپذیرد و در عین حال شرایط گفت‌وگوی صحیح و عقلانی را بین خود و مخاطبش حفظ کند.

1- مغالطه تخطئه مخاطب: در یک گفت‌وگو و گوی منطقی معمولاً مساله یا مطلب خاصی مورد بحث قرار می‌گیرد و آرای مختلف درباره آن ارزیابی می‌شود. اما اگر به جای پرداختن و بحث از خود موضوع و مبحث مورد نظر، افراد بر قائلین به آن آرا تمرکز کنند، یعنی به جای پرداختن به گفتار و محتوای سخن به گوینده سخن و شخصیت او توجه شود و نقاط ضعف او و شخصیتش مورد هجوم قرار گیرد تا به این وسیله از طریق ضعف شخصیت گوینده ضعف گفتار و نظر او را نتیجه بگیرند در چنین حالتی مغالطه تخطئه یا تشنیع مخاطب رخ می‌دهد. در معارف اسلامی نیز به این مغالطه اشاره شده جایی که معصوم(ع) می‌فرمایند: به آنچه گفته می‌شود توجه کن نه به گوینده کلام.

2- مغالطه توسل به جهل: در این مغالطه ممکن است شواهد یا استدلالی که یکی از طرفین گفت‌وگو برای اثبات مطلبی ارائه می‌کند کافی نباشد یا ناقص باشد. در این صورت لزوماً نمی‌توان ضد آن مطلب را نتیجه گرفت، یعنی برای ضد آن مطلب نیز باید جداگانه و مستقلاً استدلال اقامه کرد نه این که از ضعف طرف مقابل حقانیت خود را نتیجه گرفت.

به عبارت دیگر ادعای مشهور در مغالطه توسل به جهل این است که نمی‌توان از جهل به یک نکته و ندانستن استدلال بر امری به نبودن استدلال در آن امر رسید. مثلاً اگر در یک گفت‌وگو یکی از طرفین بگوید شما نتوانستید مضر بودن این دارو را برای ما اثبات کنید و بعد نتیجه بگیرید پس این دارو مفید است، می‌گوییم او دچار مغالطه توسل به جهل شده است، زیرا از عدم ارائه استدلال بر مضر بودن نمی‌توان قاطعانه حکم به مفید بودن آن دارو کرد. اولاً برای مفید بودنش باید استدلال جدید اقامه کرد و ثانیاً چه بسا آن دارو نه مفید باشد و نه مضر.

3- مغالطه توسل به مرجع ناموثق: توسل به مرجع ناموثق از مغالطات رایج است. فرض کنید در یک گفت‌وگو بحث اصلی در مورد احکام الهی و فقه است. در این صورت معقول و منطقی است که افراد شرکت کننده کلام خود را مستند به فقها و علمای دین کنند و از افرادی نقل کلام کنند که در این حوزه متخصص هستند و مرجع موثق تلقی می‌شوند. در این میان اگر فردی نکته ای فقهی را مثلاً از اینشتین بازگو کرد به این گونه که چون اینشتین عالم و دانشمند بزرگی است پس باید به سخن او اعتنا کرد، می‌گوییم او دچار مغالطه توسل به مرجع ناموثق شده است، زیرا اگر بحث در آن جلسه درباره فیزیک و مباحث مربوط به آن بود کمک گرفتن از شخصیتی مانند اینشتین جا داشت، اما هیچ کس نگفته است او علاوه بر فیزیکدان بودن فقیه بزرگی هم بوده است. لذا در این گونه موارد به مرجع ناموثق تکیه شده است و این مغالطه است. نمی‌توان برای هر موضوعی به هر شخصیتی توسل جست. در اینجا تطابق موضوعات و تخصص شخصیت‌ها باید لحاظ شود.

4- مغالطه علت جعلی: در این مغالطه ممکن است برای موضوعی علت یا عللی ذکر شود که یا علت واقعی نیستند یا علت لازم و کافی یعنی علت تامه نیستند و در واقع به جای این که همه علل و عوامل ذکر شوند، بعضی از عوامل ذکر می‌شوند و آن چنان وانمود می‌شود که همه علل یک رویداد، همین موارد مذکور است.

مثلاً فرض کنید در یک گفت‌وگو در مورد بحث پژوهش علمی در کشور، یکی از مسئولان چنین بگوید مشکل اصلی ما در پژوهش و این که دچار رکود علمی هستیم این است که استادان و دانشجویان آن طور که باید تلاش نمی‌کنند و به وظایف خود عمل نمی‌کنند. در اینجا می‌توانیم بگوییم این مسئول دچار مغالطه علت جعلی شده است یعنی بسیاری از عوامل دیگر هستند که در پیشرفت پژوهش در یک کشور نقش دارند و او آنها را لحاظ نکرده است؛ مثلاً نبودن آموزش مناسب با پژوهش، نداشتن روش تحقیق علمی مناسب، عدم امکانات کافی، نبود شاخص‌های درست برای ارزیابی آثار پژوهشی و ...

5 - مناقشه در مثال: بارها اتفاق می افتد افرادی که در یک گفت و گو شرکت دارند برای تقویت سخن خود از مثال هایی استفاده می کنند. اما گاه نیز اتفاق می افتد مثال ارائه شده چندان تطابق با موضوع مورد بحث نیست؛ اگر چه موضوع و ادعایی که مطرح شده درست است، اما مثالی که برایش آورده شده ایراد دارد. حال اگر طرف دیگر گفت و گو به جای پرداختن به اصل موضوع و بحث در مورد آن، بر آن مثال غلط متمرکز شود و در آن مناقشه کند و با آن مناقشه قصد داشته باشد درست بودن اصل موضوع را زیر سوال ببرد می گوئیم دچار مغالطه مناقشه در مثال شده است.

این مغالطه آنچنان شایع است که به صورت ضرب المثل در عرف مردم رایج شده و می گویند در مثل مناقشه نیست؛ یعنی ممکن است این مثالی که گفته می شود ایراد هم داشته باشد ولی اصل مطلب درست است.

6- مغالطه سوال مرکب: گاه در گفت و گوها یکی از طرفین سوالی از طرف دیگر می پرسد اما در واقع دو سوال پرسیده است و اگر طرف مقابل حواسش جمع نباشد و در مقام پاسخ به جای پاسخ تفصیلی اجمالا به آری یا خیر اکتفا کند به نوعی اعتراف علیه خود را مرتکب شده و بعید است از آن گفت و گو پیروز بیرون بیاید. مثلا فرض کنید در مورد مباحث زندان ها یکی از طرفین بگوید آیا شما شکنجه کردن زندانی ها را متوقف کرده اید؟ حال اگر طرف دیگر بگوید آری یعنی قبلا زندانی ها را شکنجه می کرده است و اگر بگوید خیر یعنی هنوز به شکنجه کردن ادامه می دهد که در هر دو صورت علیه خود موضعگیری کرده است. برای پرهیز از دچار شدن به این مغالطه فردی که در مقام پاسخگویی است باید بگوید ما قبلا هم کسی را شکنجه نمی کردیم.

اینها نمونه هایی از مغالطاتی بود که معمولا در گفت و گو ها پیش می آید و کسانی که بتوانند از آنها اجتناب کنند در آن گفت و گوها موفق تر خواهند بود.

دکتر سیدمحمدعلی حجتی / استاد دانشگاه تربیت مدرس